



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۸/۰۹

سید عظیم حسینی

تاریخچه تجارت در کابل

دیروز نوشته ای جناب داکتر سید عبدالله کاظم تحت عنوان "نگاهی به انکشاف شهر کابل از قدیم تا امروز" توجه ام را جلب نمود. خواستم کابل قدیم را از بُعد دیگری به تصویر بکشم تا این سلسله تا جائیکه ممکن است با همکاری سایر دوستان ادامه یابد.

درین نوشته وقتی که ما از کابل حرف میزنیم، هدف ما از کابل قدیم است که در چهار راه شرق و غرب و شمال و جنوب قرار داشت. شهر قدیم کابل از سمت شرق از بالاحصار کابل، شاه شهید علیه الرحمه، پل مستان، ارگ شاهی، لب دریای اندرابی، شاه دوشمشیره علیه الرحمه، دروازه دهمزنگ، بالاکوی چنداول، بالاکوی عاشقان عارفان علیه الرحمه، درخت شنگ و باز بیلا حصار منتهی میشد، از طرف شمال تا میدان طیاره سابق محیط کابل بشمار میرفت. [۱] "کابل برای ما صرف یک نام نیست بلکه تداعی کننده جریانات و رویداد های مهم تاریخی و صفحه زرینی از کارنامه های سیاسی، مدنی، و فرهنگی نیاکان ماست که برای نسل های بعدی کشور به میراث مانده است. ازینرو شهر کابل به حیث شهر مرکزی افغانستان، شهر تجارت، سیاست، فرهنگ، اقتصاد و مرکز اختلاط و آمیزش مدنیت ها و کلتورها و هویت های متعدد و در یک کلام به مرکز وحدت ملی همه اتباع و اقوام کشور و بازتاب دهنده هویت کلان ملی و جمعی مشترک ما تبدیل گردیده است. [۲] به گواهی مؤرخین و پژوهشگران، کابل در طول قرون متمادی نه تنها مهد و یا بخشی از تمدن ها

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

وامپراتوری ها، مرکز علم، ثقافت و فرهنگ بوده بلکه مرکز بزرگ تجارت، ممد و تسهیل کننده ترانزیت کالاها بین شرق و غرب و شمال جنوب هم بوده است. "جاده ابریشم دارای دوشاخه یا شعبه اصلی بود، یکی شاخه شمالی که شرقاً-غرباً امتداد داشت و شامل چهار شعبه عمده میگردید و دیگر شاخه جنوبی که آنرا بنام شعبه هندی راه ابریشم میگفتند. شهر کابل بر سر این شاخه جنوبی یا هندی راه ابریشم واقع بود. شاخه جنوبی راه ابریشم یا شاخه هندی، از مهمترین شاخه های منشعب راه ابریشم میباشد که از جنوب حوزه تارم میگذشت. شاخه موصوف از کوبین سن و مستاغ و یک حصه کاشغر و کوه های قراقرم گذشته داخل کشمیر شده، از آنجا ساحل چپ رود اندوس راتعقیب و به تاکسیلا و بندر مناگارا می رسید. از تاکسیلا راه مذکور به پشاور و از آنجا وارد هده، خرد کابل و کابل - بگرام و از طریق خاواک پنجشیر و یا بامیان، سمنگان و خلم به شهر بزرگ بلخ وصل میگردید. البته در طول این راه ها، رباط ها یا کاروان سراها، بعد از هر ۲۴ کیلومتر تاسیس شده بود که در آن کاروان ها، زوار و مسافرین توقف نموده استراحت می نمودند. تنگی ابریشم بین سروبی و درونته یادآور ایامی است که کاروان های ابریشم از میان آنها به استقامت لغمان و تگاب در حرکت بودند.

قوافل تجاری و ولایات شمال هندوکش از راه کابل و لغمان به سواحل دریای سند و هندوستان میگذشت. از طریق بخش جنوبی راه ابریشم بود که پادشاهان هند غرض انجام مراسم تاج پوشی به کابل می آمدند و این روند تا قرن دهم میلادی ادامه داشت. به قول مؤلف "حدودالعالم" شاهان هند تا در کابل تاج پوشی نمیکردند و زیارت بتخانه های کابل را نمی نمودند پادشاهی شان مشروعیت نمی داشت. کابل در طی قرون متوالی با بسیاری از کشورها و مناطق جهان مراودات تجاری داشته، اکثراً به نام بارکده هندوستان یاد میشد. کابل به حیث یک مرکز عمده خراسان و ترانس اوکسیانا و هندوستان را بهم وصل میساخت. شهرت تجاری کابل حتی به بازار های یونان و روم رسیده بود. مالتجاره که به قصد اروپا از طریق کابل ترانزیت میشد، بعد از رسیدن به بلخ از طریق راه آبی آموکورا به اروپا منتقل میشد. به قول میرزا صائب شاعر مشهور که در عصر جهانگیر به دعوت احسن الله

ظفرخان حکمران صوبه کابل به این دیار آمده بود، کاروان های تجارتی مصر به بازار کابل آمد و شد داشته است.

(*نظرگاه تماشایی است دروی هرگزگاهی همیشه کاروان مصر می آید به بازارش*) صائب

همین کثرت تجارت و مراودات تجارتی گسترده کابل با شهرها و مناطق جهان بوده است که حتی کلمه کابل را بعضی ها کلمه سندی فکر کرده، معنی آنرا تجارتگاه نوشته اند. تجارت فنیقی ها و هندوستان هم از همین مسیر کابل، اندوس صورت می گرفته که آنها در سه هزار سال قبل از میلاد عاج، عطر و میمون از هند وارد می کردند. کابل با کشورهای عربی نیز روابط تجارتی داشت و بغداد و بصره و کوفه عرضه گاه اموال تجارتی خراسان، منجمله کابل محسوب میشد. راهی که از سند به سیستان و پارس میرفت. از سمت شمال با وادی پنجاب و کوهسار افغانستان از طریق کابل و غزنه و دیگر مراکز بازرگانی پیوسته بود و قوافل تجاری اموال هندی را از هند و سند به بغداد می رسانید. تجار کابل در شهرهای عمده جهان دارای نمایندگی ها و ساحة آزاد تجارتی بودند از جمله، قطعه شعبه بن زید کابلی بود که در بغداد مستقر بود و حتی یکی از دروازه های بغداد به نام دروازه کابلیان مسمی بود. مهمترین اقلام تجارتی کابل نیل اعلی، هلیله کابلی، جامه های نخی، دستمال های هشت رخ بود که به تمام خراسان، چین و سند برده میشد. کابل از نظر داشتن هلیله اعلی و نیل، شهرت جهانی داشت. به قول ابن حوقل سالانه به ارزش دو میلیون دینار نیل در بازارهای آن فروخته می شد. روابط تجارتی کابل در عهد سلطنت رایان کابلی با وجود جنگها و لشکرکشی ها برقرار بود. کاروانها از سرزمین شان میگذشت و راه شمال بدست شان بود. گفته شده است که سعی اعراب برای گرفتن کابل هدف و مرام اقتصادی نیز داشت. چه کابل مرکز روبه ترقی بود و با گرفتن آن میتوانستند بر تجارت این خطه کنترل قایم سازند. کشف مسکوکات کابلشاهان در روسیه و اروپا در سال ۱۸۵۳ به قرار قول بایکوف از روابط تجارتی بین کابل و آن کشورها حکایه می نماید. به قول بابر، کابل و قندهار دو بندر مهم در خشکه محسوب میگردید که کاروان های کاشغر، فرغانه و ترکستان و سمرقند و بخارا و بلخ و حصار و بدخشان به کابل می آیند و کاروان خراسان به قندهار. بین خراسان و هندوستان واسطه همین ولایت است که سوداخانه بسیار خوبی است اگر سوداگران به ختات (منظور از چین

میباشد) و روم بروند، همین قدر سودا خواهند کرد. هر سال هفت، هشت ده هزار اسپ به کابل می آید و از جانب هندوستان سفلی نیز کاروان ده پانزده و بیست هزار خانوار به کابل آمده با خود متاع هندوستان، رخت سفید و قند و نبات، برده (غلام)، شکر و عقاقیر می آورند. متاع خراسان، هندو عراق و روم و چین در کابل پیدا میشود، از هندوستان که البته بندران است. عایدات صوبه کابل در وقت به بیست لک شاه رخی می رسید. کابل از جمله عیدیه شهرهای جهان است که دارای سواد با شکوه و زیبایی بوده است. سواد پنجمین قسمت یا بخشی از شهرهای قدیم قرون وسطی را میگفتند که بعد از حومه قرار داشت شامل باغات، مزارع سرسبز و آبادی های اطراف شهر بود. در شگوفائی و آبادانی کابل بی تردید عامل تجارت و موقعیت جیواکونومیک کابل نقش قابل ملاحظه داشته است. از زیبایی و طراوت سواد کابل مؤرخین و شاعران اشاراتی داشته اند. در تاریخ سیستان آمده است «سیستان را گرشاسب بنا کرد و بست و رخت و زمینداور را و کابل و سواد آنرا او را بود که جد او کرده بود. تذکر باید داد که درین متن تاریخ سیستان مراد از کابل شهر کابل است نه کابلستان یا ولایت کابل. میرزا صائب و اقبال لاهوری شعرای برجسته زبان فارسی از سواد کابل در اشعار شان یاد کرده اند. چنانچه علامه اقبال گفته است:

چشم صائب از سوادش سرمه چین روشن و پاینده باد آن سرزمین

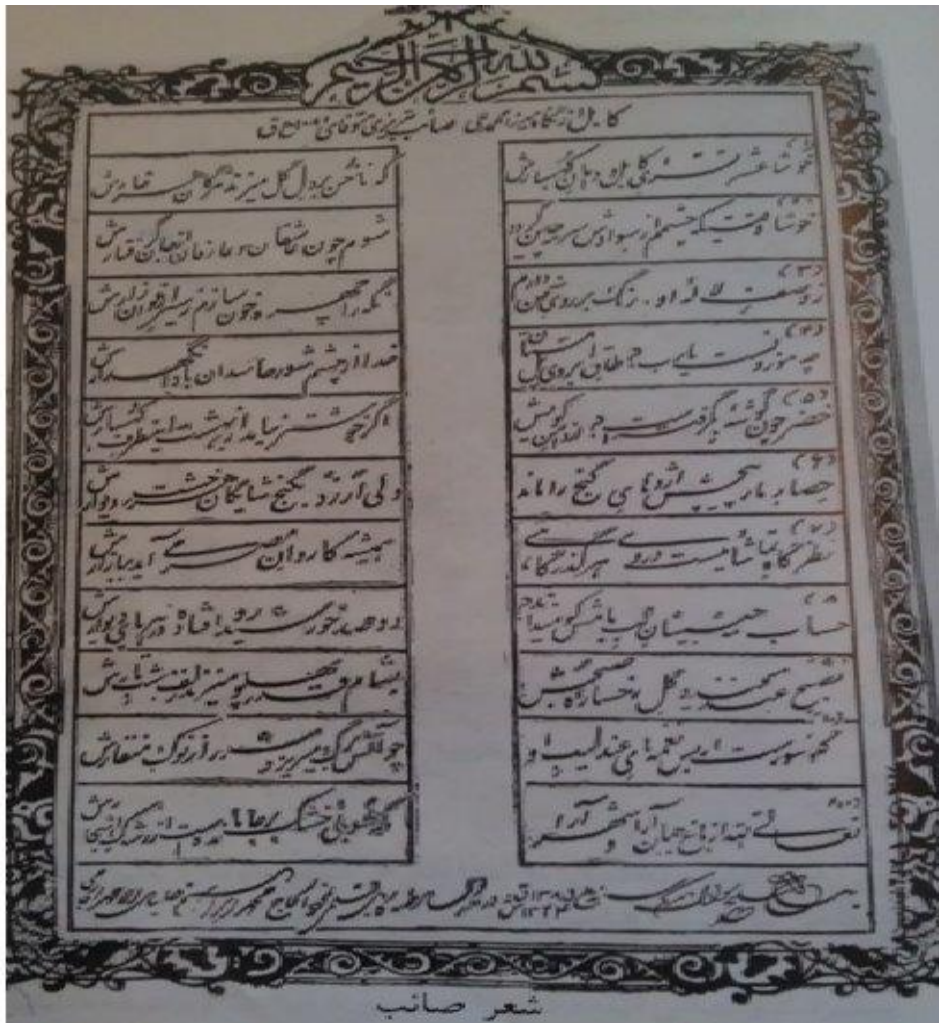
بیت فوق اشاره به این بیت صائب دارد که در مدح کابل سروده است " [۳].

کابل بحیث یک مرکز تجاری اهمیت بیشتر دارد، تا بحیث مرکز حکومت. از اینجاست که شورش های مختلف با موفقیت ریشه دوانیده و صلح را در افغانستان برهم زده است. بهر صورت گفته میتوانیم که در شرق کمتر جایی خواهد بود که مرکزیت تجاری این شهر را دارا باشد. اما باید گفت که به مقایسه تولیدات خارجی که درین شهر فراوان است، کابل از خود ثروتی ندارد و مانند هندو بخارا تولیدات آن زیاد نیست. [۴] تجارت قسمیکه توضیح شد در کابل دارای قدامت تاریخی بوده و به زمانه های قبل از میلاد بر میگردد. با ایجاد دولت توسط احمد شاه بابا تجارت وارد مرحله جدید شد. اولین بار تجارت ما با دنیای خارج در عهد امیر شیر علی خان آغاز شد. در آن عهد شاید یک یا دو مرتبه بواسطه دو سه

نفر تاجریک مقدار اموال بنجاره گی وارد می شد. از تاجران مشهور آنوقت رضا قلی خان ازهرات و علی جان از کابل بود. آهسته آهسته این رفت و آمد ها زیادشده رفت تا اینکه در وقت ضیاء الملت رونق بیشتر یافت و تجارت ما با چین و روسیه هم شروع گردید.

متن کامل بیت صائب در مورد کابل و سواد (مناطق خارج شهر) آن

ادامه دارد



ادامه دارد